

کودتای ضد مصدق دلیل گرایش ضد آمریکایی ایران نیست

به قلم جاناتان سمایک (/fa/experts/janatan-smyak/)

۱۵ آوریل ۲۰۲۰

همچنین دست‌یافتنی به

/ (English (/policy-analysis/dont-blame-mossadeq-coup-irans-anti-americanism

العربية (/ar/policy-analysis/la-thmwlwa-anqlab-musadwaq-mswwlyt-madat-ayran-llwlayat-almthdt/)

درباره نویسنده

جاناتان سمایک (/fa/experts/janatan-smyak/)

جاناتان سمایک پژوهشگر برنامه ویتربی درباره سیاست ایران و ایالات متحده در انستیتو واشنگتن است. او پناهنده‌ای از ایران است و مدرک علوم سیاسی خود را از دانشگاه کالیفرنیا در برکلی دریافت کرده است.



تحلیل کوتاه

تجزیه و تحلیل دقیق دو کتاب درسی تاریخ برای مدارس ایران نشان می‌دهد که حتی رژیم جمهوری اسلامی کودتای ۲۸ مرداد را یک واقعه سرنوشت‌ساز در تیرگی روابط دوجانبه با آمریکا نمی‌داند

قانون‌گذاران برجسته آمریکا هنگام بحث از راهبرد ایالات متحده در مقابله با تهدید ایران گفته‌اند که رفتار رژیم سیاستی قابل فهم در دفاع از خود است که موجب آن دخالت آمریکا در کودتای مرداد ۱۳۳۲ (اگوست ۱۹۵۳) است. آن کودتا به سرنگونی نخست‌وزیر وقت محمد مصدق منجر شد. در جریان یک مناظره انتخاباتی دمکرات‌ها در سال ۲۰۱۶ برنی سندرز (سناتور دمکرات از ایالت ورمانت) ماهیت بنیادگرایی رژیم را ناشی از واکنش در برابر آن کودتا توصیف کرد. ران پال (عضو جمهوری‌خواه مجلس نمایندگان از ایالت تگزاس) به شیوه‌ای همانند در مصاحبه‌ای در سال ۲۰۰۷ گفته است: «من ایرانی‌ها را می‌بینم که منطقی و دفاعی رفتار می‌کنند [...] ما دولت آنها را به کمک سی‌آی‌ای در سال ۱۹۵۳ سرنگون کردیم». در سال ۲۰۰۰ مادلین آلبرایت وزیر خارجه وقت اظهار داشت که این کودتا موضع ضدآمریکایی رژیم را توجیه می‌کند: «اکنون به راحتی می‌توان فهمید که چرا بسیاری از ایرانیان همچنان از این مداخله آمریکا در امور داخلی خود آزرده هستند».

محمد جواد ظریف وزیر امور خارجه ایران نیز چندین بار این روایت را مطرح ساخته است. وی در توییتری با مقایسه تحریم‌های فعلی ایالات متحده با کودتای ۱۳۳۲ نوشت: «روای "گروه اقدام" انجام همان کار [سرنگونی مصدق] از طریق فشار اطلاع‌رسانی نادرست [و] عوام‌فریبی است».

با وجود عمومیت این استنباط تجزیه و تحلیل کتب درسی تاریخ برای دبیرستان‌های ایران نشان می‌دهد که این روایت چیزی نیست که رژیم به دانش‌آموزان ایرانی می‌آموزد. تحقیق برای نوشتن این مقاله بر اساس بررسی دو کتاب تاریخ کلاس هشتم و یازدهم برای سال تحصیلی ۱۳۹۸-۱۳۹۹ انجام شده که هر دو در وبسایت وزارت آموزش و پرورش ایران در دسترس

<http://chap.sch.ir/category/%D8%AF%D9%88%D8%B1%D9%87/%D8%AF%D9%88%D8%B1%D9%87->

[%D8%A2%D9%85%D9%88%D8%B2%D8%B4-](#)

[%D9%85%D8%AA%D9%88%D8%B3%D8%B7%D9%87/%D9%85%D8%AA%D9%88%D8%B3%D8%B7%D9%87-](#)

[%D9%86%D8%B8%D8%B1%DB%8C/%D8%B9%D9%84%D9%88%D9%85-](#)

است. (%D8%AA%D8%AC%D8%B1%D8%A8%DB%8C/%D8%B3%D8%A7%D9%84-%D8%B3%D9%88%D9%85

دانش‌آموزان ایرانی چه در مدارس خصوصی و چه در مدارس دولتی برنامه درسی یکسانی برای آموزش تاریخ دارند.

کتاب‌های درسی تاریخ ایران گزارش پیچیده‌تری از کودتای ۱۳۳۲ ارائه می‌دهند و این رویداد را نه فقط نتیجه مداخله خارجی بلکه پیامد دولت ضعیف معرفی می‌کنند. برنامه آموزشی تاریخ ایران اهمیت چندانی به مصدق نمی‌دهد. از نقش او در کتاب تاریخ کلاس هشتم به اختصار یاد می‌شود و در کلاس یازدهم فقط چند پاراگراف در کتاب تاریخ به او اختصاص داده شده است. در حقیقت غالباً از دوره نخست‌وزیری مصدق انتقاد شده و اهمیت او اغلب دست‌کم گرفته می‌شود.

به عنوان مثال نقش مصدق در ملی‌سازی نفت ایران در مقابل سید ابوالقاسم کاشانی کوچک نشان داده می‌شود. کاشانی روحانی سرشناس شیعه و مرشد علی خامنه‌ای است که بعدها به رهبری رسید و عقایدی ضدغربی و ضدکاپیتالیستی دارد. علاوه بر این اسناد علنی شده نشان می‌دهد که کاشانی گاه با بودجه‌ای که سی‌ای تا سی‌و‌پنج درصد بود بر ضد مصدق توطئه می‌کرد.

با توجه به تاریخ مداخلات خارجی در ایران کتاب‌های درسی تاریخ چنین آموزش می‌دهند که بریتانیا و اتحاد جماهیر شوروی بازیگران اصلی در کودتای ۱۳۳۲ بوده‌اند. در یک جا کتاب کلاس یازدهم حتی می‌گوید که ایالات متحده به این طرح «کشانده» شد. این روایت نشان می‌دهد که رژیم نمی‌خواهد به بچه‌ها بیاموزد که این کودتا صرفاً یک طرح آمریکایی یک‌جانبه برای مداخله در امور داخلی ایران بوده بلکه آن را نتیجه عوامل مختلفی می‌داند که منجر به عزل یک رهبر سکولار شد.

در هر دو کتاب کلاس هشتم و یازدهم موضوع ملی شدن نفت و کودتای ۱۳۳۲ مطرح می‌شود اما میزان تمرکز هر دانش‌آموز بر علوم انسانی یا علوم تجربی و ریاضی (شامل علم فناوری مهندسی و ریاضیات) تعیین می‌کند که وی تا چه حد در مورد این دوره از تاریخ آموزش می‌بیند. کتاب‌های تاریخ برای رشته‌های علوم انسانی فقط یک فصل کوتاه را به این موضوع اختصاص می‌دهند که به اختصار در مورد روابط کاشانی و مصدق قیام سی تیر و کودتای بریتانیایی-آمریکایی بحث می‌کند اما کتاب تاریخ کلاس یازدهم برای رشته‌های علوم تجربی و ریاضی در مورد ملی شدن نفت و کودتا با تفصیل بیشتری بحث می‌کند و دو فصل را به این موضوعات اختصاص داده است. یک فصل چهارصفحه‌ای به طور خلاصه به بحث در مورد علاقه بریتانیا به حفظ سهم خود در تولید نفت ایران می‌پردازد. این فصل همچنین به رهبران جنبش ملی شدن صنعت نفت یعنی کاشانی و مصدق می‌پردازد با این حال حتی در این فصل صرفاً یک پاراگراف مختصر به شرح حال مصدق اختصاص یافته است.

در کتاب تاریخ رشته علوم تجربی و ریاضی در فصل کودتا از نقش کاشانی تجلیل می‌شود و می‌خوانیم که بازگشت وی از تبعید در سال ۱۹۵۰ «روح تازه‌ای به مبارزات ضداستعماری دمید [...] در نتیجه موجب پیوستن مردم و نیروهای مذهبی به مبارزات ضداستعماری شد». از دید این کتاب اظهارنظر کاشانی در این باره که (در مقابل تهدیدهای انگلستان) «اعلام جهاد خواهد نمود» به نفع مصدق و به ضرر احمد قوام مخالف او که از حمایت بریتانیا برخوردار بود تمام شد و مصدق را قادر ساخت به قدرت بازگردد. این روایت به طور مشخص رهبری مصدق را کمرنگ نشان می‌دهد تا نقش خرد و هدایت یک رهبر مذهبی را پررنگ‌تر سازد.

کمی بعد در همان فصل مصدق به خاطر کودتا تا حدودی مقصر قلمداد می‌شود: «دکتر مصدق به بهانه نفوذ و تحریکات بیگانگان در مجلس تصمیم گرفت مجلس دوره هفدهم را منحل کند. تلاش آیت‌الله کاشانی برای جلوگیری از انحلال مجلس به جایی نرسید. انحلال مجلس فرصت مناسبی برای کودتاگران فراهم آورد زیرا مشروعیت رئیس دولت را آشکارا مخدوش کرد و باعث هموار شدن عملیات کودتا شد.»

کاشانی در اواسط سال ۱۹۵۲ به نیرویی مخالف مصدق تبدیل شد اما در این فصل دلیلی برای این مخالفت ارائه نمی‌شود. با این حال به طور مبهم «عدم وحدت در درون جنبش» به عنوان یک عامل کلیدی که منجر به کودتا شد ذکر می‌شود. این فصل به دانش‌آموزان ایرانی می‌آموزد که این «فقدان انسجام» در رهبری جنبش همان چیزی است که بریتانیا را قادر به مداخله در سیاست داخلی ایران می‌کند و بدین ترتیب راه برای تداوم مداخلات خارجی هموار می‌شود.

فصل بحث از کودتا مجموعه‌ای از عوامل بیرونی و داخلی کودتا را معرفی می‌کند ولی همه این عوامل حول سیاست‌های بریتانیا و اتحاد جماهیر شوروی مطرح می‌شود نه ایالات متحده آمریکا. اگرچه این عوامل بیرونی شامل برنامه‌های بریتانیا و آمریکا هم می‌شود اما این فصل حاکی از آن است که لندن و مسکو ایالات متحده را ترغیب کردند تا موضع خود را نسبت به ایران تغییر دهد: «در آغاز آمریکا تصمیم داشت میان ایران و انگلستان در موضوع نفت میانجیگری کند چرا که حفظ بازار نفت را برای جلوگیری از بحران اقتصادی ضروری می‌دانست [...] زیرا از یک سو انگلیسی‌ها قول دادند شرکت‌های نفتی آمریکایی را در منابع نفتی ایران شریک سازند و از سوی دیگر خطر نفوذ کمونیسم حزب توده را در ایران بزرگ جلوه دادند.» در ادامه این فصل فعالیت‌های شبکه اطلاعاتی بدامن (BEDAMN به عنوان یکی دیگر از عوامل کمک‌کننده به کودتا ذکر شده است و این شبکه‌ای است که «توسط انگلیسی‌ها با هدف مقابله با نفوذ روزافزون شوروی» در ایران شکل گرفت و اشاره‌ای به ایالات متحده نمی‌شود.

کتاب تاریخ کلاس یازدهم برای رشته‌های تجربی و ریاضی همچنین سرزنش زیادی را متوجه حزب کمونیست توده ایران کرده و این حزب را

حامی منافع اتحاد جماهیر شوروی اعلام می‌کند: «اعضای حزب توده در مجلس با اعطای امتیاز نفت [به بریتانیا] به طور جدی مخالفت کردند» همزمان دولت شوروی نیز درخواست امتیاز نفت شمال ایران را کرد اما این بار حزب توده از اعطای امتیاز نفت شمال به شوروی حمایت کرد.» این فصل با چند پرسش دربارۀ عناصر مختلف داخلی کودتا خاتمه می‌یابد و سپس از دانش‌آموزان در مورد تلاش‌های بریتانیا برای تضعیف مصدق با ترغیب واشنگتن به همکاری با لندن سؤال می‌کند.

واضح است که تهران علاقه‌مند به آموزش روایتی است که لغزش‌ناپذیری رهبران روحانی و در نتیجه مشروعیت رژیم اسلامی موجود را به تصویر کشد. در عین حال به نظر نمی‌رسد که حکومت علاقه داشته باشد که این بخش از تاریخ ایران را با جزئیات کامل آموزش دهد و علاقه چندانی هم به این ندارد که این دوره را آغاز تلاش‌های ایالات متحده برای کنترل ایران تصویر کند. از این گذشته روح‌الله خمینی رهبر انقلاب اسلامی نقش مصدق را در سیاست ایران کم‌اهمیت دانسته و در یکی از سخنرانی‌هایش در ۱۹۸۱ او را «نامسلمان» خوانده است.

خلاصه اینکه کودتای ۱۳۳۲ نمی‌تواند عامل تحریک احساسات ضدآمریکایی رژیم باشد. اگر جمهوری اسلامی سرنگونی مصدق را یک نقطه عطف اساسی در روابط با واشنگتن تلقی می‌کرد نسل سوم انقلاب اسلامی را با باور به همین تصور تربیت می‌کرد.

**جاناتان سمیاک پژوهشگر برنامه ویتربی درباره سیاست ایران و ایالات متحده در انستیتو واشنگتن است. او پناهنده‌ای از ایران است و مدرک علوم سیاسی خود را از دانشگاه کالیفرنیا در برکلی دریافت کرده است.*



RECOMMENDED



BRIEF ANALYSIS

[Bennett's Bahrain Visit Further Invigorates Israel-Gulf Diplomacy](#)

فوریه ۲۰۲۲

Simon Henderson

[\(/policy-analysis/bennetts-bahrain-visit-further-invigorates-israel-gulf-diplomacy\)](#)



BRIEF ANALYSIS

[Libya's Renewed Legitimacy Crisis](#)

فوریه ۲۰۲۲



Ben Fishman

[\(/policy-analysis/libyas-renewed-legitimacy-crisis\)](#)



BRIEF ANALYSIS

The UAE Formally Ceases to be a Tax-Free Haven

فوریه ۲۰۲۲



Sana Quadri ,

Hamdullah Baycar

[\(/policy-analysis/uae-formally-ceases-be-tax-free-haven\)](#)

TOPICS

[\(fa/policy-analysis/dmkrazy-w-aslah/\)](#) دمکراسی و اصلاح

[\(fa/policy-analysis/rb-w-aslam-syasy/\)](#) عرب و اسلام سیاسی

[\(fa/policy-analysis/syast-amryka/\)](#) سیاست آمریکا

REGIONS & COUNTRIES

[\(fa/policy-analysis/ayran/\)](#) ایران